



## غرض اهل حدیث از مخالفت با عصمت انبیاء(ع) سیاسی است/ اولی الامر کیست؟

آیت الله قرهی مدیر حوزه علمیه امام مهدی(عج) گفت: افرادی که با بحث عصمت انبیاء مخالفت دارند، در مرحله نخست غرض سیاسی دارند - نکته بسیار مهمی است - اینها از همان ابتدا بحث عصمت انبیاء را زیر سؤال می‌برند که دیگر تمام کارها راحت شود. وقتی شما گفתי حتی نبی و رسول هم در پرده عصمت نیستند، دیگر از حاکم بعد از نبی چه انتظاری داری؟!

آیت الله قرهی مدیر حوزه علمیه امام مهدی(عج) گفت: افرادی که با بحث عصمت انبیاء مخالفت دارند، در مرحله نخست غرض سیاسی دارند - نکته بسیار مهمی است - اینها از همان ابتدا بحث عصمت انبیاء را زیر سؤال می‌برند که دیگر تمام کارها راحت شود. وقتی شما گفתי حتی نبی و رسول هم در پرده عصمت نیستند، دیگر از حاکم بعد از نبی چه انتظاری داری؟! به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله قرهی مدیر حوزه علمیه امام مهدی(عج) به بیان ویژگیهای نگاه اهل حدیث پرداخته که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

اهل حدیث و حشویه متمسکان به ظاهر آیات و روایات هستند و قائل به تأویل آنها نمی‌باشند و می‌گویند: هر آنچه که ظاهر است، ملاک ما می‌باشد و به این ترتیب می‌توان این گروه را این گونه نام‌گذاری کرد: کسانی که اهل ظاهر آیات و روایات هستند.

نظر این گروه این است که هیچ اشکالی ندارد انبیاء پیش از نبوت، حتی گناهان کبیره انجام داده باشند. آنها می‌گویند: انبیاء حتی بعد از نبوت هم جایز هستند که گناه کنند و قائلند که براساس قانون جایز الخطا بودن انسان، انبیاء نیز جایز هستند که گناه کنند البته نه این که حتماً بخواهند گناه کنند.

فقط یک استثناء برای آن قائل هستند و آن این که بعد از نبوت دیگر نباید دروغ بگویند؛ چون اگر دروغ بگویند، دیگر نمی‌شود به آن آیات یا کلامی که می‌گویند، اعتماد کرد. یعنی اگر خدای ناکرده هر گناه کبیره یا خلافی از انبیاء سرزد، جایز است و هیچ اشکالی ندارد اما فقط دروغ را مستثناء کرده‌اند. عده ای از این گروه قائل هستند که ارتکاب گناهان کبیره برای انبیاء، قبل از نبوت اشکال دارد إلا به شرط عدم تجاهر (پنهان بودن)؛ یعنی اگر در خفا گناه کنند، اشکالی ندارد.

عده ای دیگر از همین گروه می‌گویند: هر گناهی، چه کبیره، چه صغیره، چه جهر و چه غیر جهر از جانب انبیاء هیچ اشکالی ندارد. یعنی حتی اگر علنی هم گناه کردند، منعی برای آنها نیست و هیچ اشکالی به نبوت آنها نمی‌زند. یعنی اگر شخصی که گناه علنی در جامعه می‌کند، ادعای نبوت کند، مردم با این که می‌دانند مثلاً او اموال مردم را به ناحق می‌خورد، به ناموس مردم تجاوز می‌کند و ... باید حرف او را بپذیرند!!!

مثلاً در صحیح بخاری - یکی از کتب صحه اهل جماعت (کتبی که روایات آنها را صحیح می‌دانند) - روایتی وجود دارد که می‌گویند: عزرائیل آمد جان حضرت موسی بن عمران(علی نبیِّنا و آله و علیه الصلوة و السلام) را بگیرد، او برای جان دادن آمادگی نداشت، وقتی عزرائیل خواست به زور جان او را بگیرد، چون حضرت موسی(علی نبیِّنا و آله و علیه الصلوة و السلام) بسیار قوی و بزرگ بود، چنان در گوش حضرت عزرائیل زد که دو چشم از چند چشم حضرت عزرائیل کنده شد! - مطالب خرافی که هر انسان عاقلی بشنود خنده اش می‌گیرد - بعد می‌گویند: طبق این داستان، اگر کسی احساس کند یک مورد حقی هست ولی او نمی‌خواهد به آن تن بدهد، می‌تواند دعا کند و اگر هم قدرتش را داشت و مثلاً کسی را کور کرد، اشکالی ندارد!

مثلاً آنها راجع به آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قائلند که اولی الامر یعنی هر کسی که حاکم شد؛ ولو به این که با کودتا حکومت را به دست بگیرد. مثلاً حسنی نامبارک! با اینکه با کودتا حاکم شده ولی می‌گویند باید از او اطاعت کرد، یا مثلاً ملک عبدالله دوم - که مادرش انگلیسی است و حتی انگلیسی را بهتر از عربی حرف می‌زند - حکم اولی الامر را برای آنها دارد!

آنها می‌گویند: طبق این آیه، هر کس بر مسلمین حاکم شد، باید او را بپذیریم؛ چون ظاهر آیه ملاک است. می‌گویند: چون قرآن فرموده است: «أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اطاعت از حاکم مسلمین ولو فاسد و فاجر باشد و بدانی گناه‌کار و شراب‌خوار هم هست - با این که قرآن بالصرّاحه راجع به حرمت شرب خمر آیه دارد - عیبی ندارد، تو او را به خدا بسپار، وظیفه تو فقط اطاعت است، حالا او هر گناهی می‌خواهد بکند، چه اشکالی دارد؟! انبیاء هم گناه می‌کردند! پس بیان این که انبیاء هم گناه می‌کردند، توجیه خوبی می‌شود برای این که یک عده حاکم شوند!

لذا به نظر می‌رسد این افرادی که با بحث عصمت انبیاء مخالفت دارند، در مرحله نخست غرض سیاسی دارند - نکته بسیار مهمی است - اینها از همان ابتدا بحث عصمت انبیاء را زیر سؤال می‌برند که دیگر تمام کارها راحت شود. وقتی شما گفתי

حتی نبی و رسول هم در پرده عصمت نیستند، دیگر از حاکم بعد از نبی چه انتظاری داری؟! وقتی شما بیان کردی حتی نبی و رسول هم گناه علنی می‌کنند و اگر گناه کبیره هم انجام دهند، هیچ اشکالی ندارد و خللی در رسالت و نبوت ایشان ایجاد نمی‌کند، پس برای حاکم که بعد از آن نبی، تبیین رسالت او را می‌کند و در واقع فقط دین او را ترویج می‌دهد و خودش کاره‌ای نیست، ارتکاب گناه هیچ اشکالی ندارد! پس معلوم می‌شود اصلاً حذف امر عصمت به خاطر یک سری غرایض سیاسی است و اصلاً این‌ها با قضیه عصمت مخالفند تا بتوانند مطالب بعدی را راحت‌تر حل کنند. اگر از اول سدی درست نشود، بقیه مسائل راحت حل می‌شود.